



www.fera.ir

دبیرستانی کنکوری



برای اولین بار در ایران  
با جدیدترین روش های آموزشی

کاری دیگر از استاد شطری شرف آخر

دی وی های آموزشی ریاضیات نشر حرف آخر

ریاضی عمومی ۲

رفرانس

ح د ف آ د ح

۲  
ریاضیات

نشر حرف

حسابان

ریاضی ۳

آدرس فروشگاه:

www.shop.fera.ir

آدرس فروشگاه:

www.shop.fera.ir

www.fera.ir



در زبان عربی کلمه بر سه قسم می باشد: اسم ، فعل ، حرف

## یادآوری اسم

اسم ها دارای مشخصات زیر هستند:

الف) داشتن " ال " مانند: الفهم

ب) داشتن تنوین مانند: رسول

ج) داشتن " ة " مانند: صخرة

د) مجرور واقع شدن مانند: إلى الأرض

هـ) مضاف واقع شدن مانند: بابُ المدرسه

نکته: " ت " نشانه ی تأنیث نیست . مانند: بیت ( مذکر )

نکته: ضمائر، موصولات، اسم های اشاره و مصادر جزء گروه اسم ها می باشند .

### تقسیم بندی اسم از لحاظ تعداد :

(۱) اسم مفرد: اسمی که مثنی و جمع نیست. مانند: کتاب، قلم، مدرسه

(۲) اسم های مثنی: بر دو نفر دلالت کرده و علامت های آن عبارت است از: ان - ین مانند: مسلمان، مسلمین

(۳) اسم های جمع: بر سه نفر یا بیشتر دلالت دارند و خود به گروه های زیر تقسیم می شوند :

الف) جمع مذکر سالم که نشانه های آن عبارت است از: ون - ین مانند: عالمون، عالمین

ب) جمع مؤنث سالم که علامت آن " ات " است. مانند: مسلمات، مؤمنات

**نکته:** برای ساختن جمع مونث سالم "ة" را حذف کرده و به جای آن "ات" می گذاریم.

مانند: عالمة ← عالمات

**نکته:** داشتن "ات" در آخر کلمه لزوماً نشانه ی جمع مونث نیست و ممکن است آن اسم جمع مکسر باشد.

برای تشخیص "ات" آن را از کلمه مربوطه حذف کرده و در صورت معنا دادن فقط جمع مونث خواهد بود و اگر نه جمع مونث نیست.

مثال: اصوات ← صوت اموات ← موت

به عبارت دیگر حرف "ت" جزء خود کلمه می باشد.

**نکته:** جمع های سالم اغلب برای انسان و صفات به کار می روند به کار می رود. مانند: کتاب ← کتابون

(ج) جمع مکسر قاعده ی خاصی ندارد. مانند: مساجد، کتب

### ← تقسیم بندی اسم از لحاظ جنس:

- مذکر: اسمی که مؤنث نباشد.
- مؤنث: که دارای اقسام زیر است:

الف) به «ة - ة» ختم شود. مانند: طالبة

ب) به «ا - ی - اء» ختم شود. مانند: دنیا، صحراء

**نکته:** حروف «ا - ی - اء» باید پس از حرف سوم باشد. مثلاً کلمه ی "فتی، ماء" مؤنث نیست.

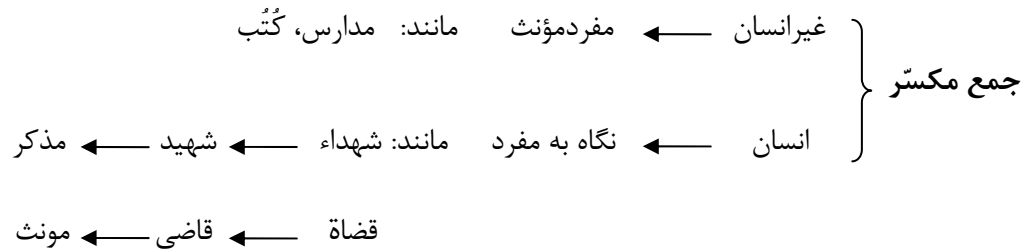
د) اسم هایی که علامت تأنیث ندارند ولی مؤنث هستند:

(۱) اسامی مؤنث حقیقی: مریم - زینب - امّ - بنت و ...

(۲) اسامی مؤنث مجازی: شمس - دار - نفس - ریح اعضای زوج بدن: عین - اذن - ید

۳) اسامی شهرها و کشورها: بغداد و ...

**نکته:** در جمع های مکسر برای تشخیص مؤنث یا مذکر بودن باید به موارد زیردقت کنید:



**نکته:** اسم هایی که برای نام گذاری اشخاص (مرد) به کار می روند؛ حتی با داشتن "ة - ة" مذکر هستند.

مانند: حمزة و ...

**سوال:** نوع جمع ها و مذکر یا مؤنث بودن کلمات زیر را مشخص کنید.

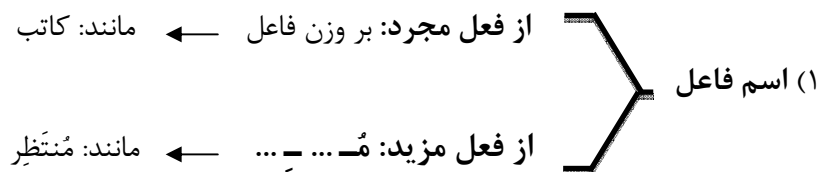
انبياء :	مَجَبِّينَ :
مومنات :	عجائب :

### ← تقسیم بندی اسم از لحاظ داشتن ریشه :

اسم ها از لحاظ داشتن ریشه ی فعلی و یانداشتن آن به دو دسته زیر تقسیم می شوند:

۱- اسم جامد: که ریشه ی فعلی ندارد. مانند: کتاب ، قلم ، شمس ، قمر و ...

۲- اسم مشتق: که موارد آن عبارتند از:



از فعل مجرد: بر وزن مفعول ← مانند: مکتوب

از فعل مزید: مُـ ... ـ ... ← مانند: مُکَرَّم

اسم مفعول

۳) صفت مشبیه: فَعِيل ( کَرِيم ) - فَعْل ( صَعْب ) - فَعِيل ( حَشِين ) - فَعْلَان ( عَطْشَان )

نکته: دو وزن « أَفْعَل - فَعْلَاء » در صورتی که نشانگر رنگ و مرض باشند، صفت مشبیه هستند.

مثال: احمر - ابيض - اسود ..... ابکم - اعمی

مذکر: بر وزن أَفْعَل . مانند: اکبر

مونث: بر وزن فُعْلَى . مانند: کبری

اسم تفضیل

۵ و ۶) اسم های زمان و مکان: بر وزن های مَفْعَل - مَفْعِل مانند: مشهد، مغرب

۷) اسم مبالغه: بر وزن های فَعَال - فَعَالَه - فَعُول مانند: جبار - غلامه - غفور

۸) اسم آلت: بر وزن های مِفعال - مِفعال - مِفعالَه مانند: مفتاح - مبرد - منضده

نکته ۱: برای تعیین نوع مشتق در کلماتی که تشدید (ّ) دارند، آن حرف مشدد را دو بار حساب می کنیم.

مثال: أَشَدَّ ← أَشَدَّةً ← اسم تفضیل

نکته ۲: آخِر ← اسم تفضیل ؛ آخِر ← اسم فاعل

نکته ۳: برای تعیین نوع مشتق در اسم هایی که به " ی " ختم می شوند، حرف آخر را ساکن فرض می کنیم.

مثال: اعمی ← صفت مشبیه

نکته ۴: کلماتی که بر وزن صفت های مشبیه هستند، حتما باید معنای وصفی نیز داشته باشند و گرنه صفت مشبیه نیستند.

مثال: قَتَلَ - نَفْس

**نکته ۵:** برای تعیین نوع مشتق در کلمات جمع به مفرد آن ها نگاه می کنیم.

**سوال:** نوع اسم های زیر را از لحاظ تعداد، جنس و اشتقاق مشخص کنید.

۱- هُجُوم:

۲- عَلِيٌّ:

۳- اصفیاء:

۴- مُقَرَّبِينَ:

### یادآوری فعل ها

#### تقسیم بندی فعل ها از لحاظ زمان

**الف) فعل ماضی:** دلالت بر انجام کاری در گذشته دارد. دارای ۱۴ صیغه و هر صیغه ضمیر، نام و معنای خاصی دارد.

ضَرَبُوا	ضَرَبَا	ضَرَبَ	غایب
ضَرَبْنَ	ضَرَبْتَا	ضَرَبْتَ	
ضَرَبْتُمْ	ضَرَبْتُمَا	ضَرَبْتِ	مخاطب
ضَرَبْتُنَّ	ضَرَبْتُمَا	ضَرَبْتِ	
ضَرَبْنَا		ضَرَبْتُ	متکلم

ضمایر منفصل

(مرفوع):

هُم	هُمَا	هُوَ	غایب
هُنَّ	هَمَا	هِيَ	
أَنْتُمْ	أَنْتُمَا	أَنْتَ	مخاطب
أَنْتُنَّ	أَنْتُمَا	أَنْتِ	
نَحْنُ		أَنَا	متکلم

ضمایر متصل

(منصوب مجرور):

هُمَّ	هُمَا	هُ	غایب
هُنَّ	هُمَا	هَا	
كُمَّ	كُما	كَي	مخاطب
كُنَّ	كُما	كِي	
نا		ي	متكلم

نکته: در ترجمه فعل های ماضی و مضارع پسوندهای زیر به کار می رود:

ند	ند	—	غایب
ند	ند	—	
ید	ید	ی	مخاطب
ید	ید	ی	
یم		م	متكلم

کَتَبْتُ: نوشتم

جلسوا: نشستند

مثال:

ب) فعل های مضارع: دلالت بر انجام کاری در زمان حال دارد. دارای ۴ صیغه بانام و ترجمه مخصوص می باشد.

يَجْلِسُونَ	يَجْلِسَانِ	يَجْلِسُ	غایب
يَجْلِسْنَ	تَجْلِسَانِ	تَجْلِسُ	
تَجْلِسُونَ	تَجْلِسَانِ	تَجْلِسُ	مخاطب
تَجْلِسْنَ	تَجْلِسَانِ	تَجْلِسِينَ	
تَجْلِسُ		أَجْلِسُ	متكلم

**نکته:** در ترجمه این افعال از لفظ ( می ) در اول یا وسط فعل اسفاده می شود.

**مثال:** یکرمون: گرامی می دارند

**توجه:** فعل های زیر نیز از مضارع ساخته می شود:

**فعل مستقبل:** ( س ، سوف + فعل مضارع ) ← سَيَنْصُرُ ( یاری خواهد کرد )

**فعل نهی:** ( لا + فعل مضارع مجزوم شده ) ← لَا تَقْنَطُوا ( ناامید نشوید )

**فعل نفی:** ( لا + فعل مضارع ) ← لَا يَقْدِرُ ( نمی تواند )

**پ ( فعل امر:** دلالت بر یک دستور دارد و به شکل زیر ساخته می شود:

۱) حرف مضارع را از اول فعل حذف می کنیم و اگر به ساکن برخورد کردیم درابتدای فعل « ا » می گذاریم و حرکت آن را با توجه به حرف سوم تعیین می کنیم:

ـَ ← اِ ؛ ـُ ← اُ

۲) انتهای فعل به شکلی که گفته شد مجزوم می کنیم.

**نکته:** درباب افعال حرکت " ا " فتحه می باشد: تَشْكُرُ ← أَشْكُرُ ؛ تُقَدِّرُ ← قَدَّرَ ؛ تُحْسِنَانِ ← أَحْسِنَا

**سوال:** مواردخواستہ شده را بسازید:

۱- فعل امر من باب تفعیل من « ص د ق » ← جمع مذکر مخاطب

۲- يَنْصُرُونَ ← مستقبل

۳- تَرَزَّقْنَ نَهْي ← نهی

۴- تَرَزَّقْنَ نَفْي ← نفی

۵- تُلْزِمُ ← امر

**سوال:** اُكْتُبِ التَّحْلِيلَ الصَّرْفِيَّ:

أَهْمٌ:

الْبُخْلَاءُ:



### ◀ نامگذاری صیغه ها به عربی

علاوه بر نام فارسی صیغه ها می توان از نام عربی آن ها استفاده کرد:

لِلْمُخَاطَبِينَ	لِلْمُخَاطَبِينَ	لِلْمُخَاطَبِينَ	غایب
لِلْمُخَاطَبَاتِ	لِلْمُخَاطَبَاتِ	لِلْمُخَاطَبَاتِ	
لِلْمُخَاطَبِينَ	لِلْمُخَاطَبِينَ	لِلْمُخَاطَبِينَ	مخاطب
لِلْمُخَاطَبَاتِ	لِلْمُخَاطَبَاتِ	لِلْمُخَاطَبَاتِ	
لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ		لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	متکلم

### ◀ تقسیم بندی فعل ها بر اساس حروف اصلی و زاید

- ۱) ثلاثی مجرد: اولین صیغه ماضی آن سه حرفی است. مانند: یخرُجُ، شکرو... .
- ۲) ثلاثی مجرد: اولین صیغه ماضی آن از سه حرف بیشتر دارد.

جدول فعل های مزید به ترتیب زیر می باشد:

حروف زاید	امر	مصدر	مضارع	ماضی
یک حرف	أَفْعِلْ	إِفْعَالٌ	يُفْعِلُ	أَفْعَلَ
دو حرف	فَعَّلْ	تَفْعِيلٌ	يُفْعِلُ	فَعَّلَ
دو حرف	فَاعِلْ	مُفَاعَلَةٌ (فِعَالٌ)	يُفَاعِلُ	فَاعَلَ
دو حرف	تَفَعَّلْ	تَفَعُّلٌ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ
دو حرف	تَفَاعَلَ	تَفَاعُلٌ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلَ
سه حرف	إِفْتَعَلَ	إِفْتِعَالٌ	يَفْتَعِلُ	إِفْتَعَلَ
سه حرف	إِنْفَعَلَ	إِنْفِعَالٌ	يَنْفَعِلُ	إِنْفَعَلَ
سه حرف	إِسْتَفَعَلَ	إِسْتِفْعَالٌ	يَسْتَفَعِلُ	إِسْتَفَعَلَ

**نکته:** در مورد ثلاثی مزید معمولاً دو نوع سوال مطرح می شود:

الف) تشخیص نوع باب و صیغه فعل که برای پاسخگویی به این سوال اولین صیغه ماضی، مضارع و یا امر فعل داده شده را می سازیم، وزن آن را مشخص کرده و با فعل های مزید مقایسه می کنیم.

**مثال:**

أَرْسَلُوا	← صیغه اول	أَرْسَلَ (أَفْعَلَ)	ماضی باب افعال
تُسَاعِدَانِ	← صیغه اول	يُسَاعِدُ (يُفَاعِلُ)	مضارع باب مُفَاعَلَةٌ
تَقْدَسَنَّ	← صیغه اول	تَقَدَّسَ (تَفَعَّلَ)	ماضی باب تَفَعَّلَ
فَتَحْتُمَا	← صیغه اول	فَتَحَ (فَعَلَ)	ماضی ثلاثی مجرد
إِنْتَخَبَ	← صیغه اول	إِنْتَخَبَ (إِفْتَعَلَ)	ماضی باب اِفْتَعَالٍ

ب) ساختن صیغه مورد نظراز حروف داده شده:

**مثال:**

إِسْتَخْرَجَا	← ماضی	فعل ثلاثی مزید، باب اِسْتِفْعَالٍ مِّن « خ ر ج » لِلْغَائِبِينَ
جَاهِدِي	← امر	فعل ثلاثی مزید، باب مُفَاعَلَةٌ مِّن « ج ه د » لِلْمُخَاطَبَةِ

**نکته:** توجه داشته باشید که امر باب « تَفَعَّلَ و تَفَاعَلَ » با حرف « ت » آغاز می شود و نباید آن را با فعل مضارع اشتباه کرد.

### تقسیم بندی فعل ها از لحاظ نیاز به مفعول

(۱) فعل لازم: نیاز به مفعول ندارد. (نمی توان سوال « چه کسی را؟ ، چه چیز را؟ » از فعل پرسید.) مانند: ذَهَبَ

(۲) فعل متعدی: نیاز به مفعول دارد. مانند: ضَرَبَ

## یادآوری حرف

تمامی حروف یا عامل اند یا غیر عامل:

**حروف عامل:** حروفی هستند که در کلمه بعد از خود تاثیر می گذارد.

مانند: تمام حروف جرّ که عبارت اند از: فی ، الی ، ب ، مین و ...

**حروف غیر عامل:** حروفی هستند که تاثیری در کلمه بعد از خود ندارند.

مانند: و ، ف ، س ، سَوَف ، تُمَّ و ..

## قسمت مشترک بین اسم ، فعل ، حرف

### معرب و مبنی:

کلمات از لحاظ تغییر حرکت آخر به دو دسته زیر تقسیم می شوند:

**الف) کلمات معرب:** حرکت آخر این کلمات تغییر می کند مثل الشجرة، کتاب

**ب) کلمات مبنی:** حرکت آخر این کلمات ثابت است که عبارتند از :

(۱) تمامی حروف: الی، علی، ب و ...

(۲) تمام ضمایر: هو، ک، کما و ...

(۳) اسمای اشاره غیر مثنی: هذا، هذه، تلك، ذلك، اولک، هولا

(۴) اسم های موصول غیر مثنی: الذی، التی، الذین، اللاتی، من، ما

(۵) کلمات استفهام: متی، کیف، ...

(۶) فعل های ماضی، امر، ۶ و ۱۲ مضارع

سوال: اكتب التحليل الصرفی:

مخلصون:

اقویاء:

انتصروا:

پ:

نا:

یادآوری قسمت نحو

در علم نحو به تعیین نقش کلمات و سایر مسائل مربوط به آن می پردازیم.

برای تعیین صحیح نقش کلمات نیاز به پنج مقدمه زیر داریم.

(۱) تعیین نوع جمله

(۲) ترجمه صحیح جمله

(۳) تعیین نقش کلمات

(۴) خانواده عربی

(۵) حرکت گذاری

(۱) تعیین نوع جمله: جملات رami توان به دو دسته کلی زیر تقسیم کرد:

**الف) جمله اسمیه:** معمولا با یک اسم آغاز می شود و نیاز به دو رکن مبتدا و خیر دارد.

**ب) جمله فعلیه:** معمولا با یک فعل آغاز می شود و نیاز به دورکن اصلی فعل و فاعل دارد و در صورتی که فعل آن متعدی باشد

نیاز به مفعول هم دارد.

**نکته:** باید توجه داشت که یک عبارت ممکن است از چند جمله تشکیل شده باشد.

**نکته:** برای تعیین نوع جمله به حروف غیر عامل ابتدای جمله و جار و مجرور آغاز جمله توجهی نمی کنیم.

مثال:

الله لطیفٌ بعباده (اسمیه)

خَرَجَ الْمُعَلِّمُ فِي الصَّبَاحِ (فعلیه)

وَاللهُ يُعَلِّمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ (اسمیه)

۲) ترجمه صحیح جمله: ترجمه مورد نظر در این قسمت، ترجمه دقیق تحت الفظی است.

۳) تشخیص نقش های مختلف در جملات:

ارکان جمله فعلیه:

الف) فاعل: به تعداد هر فعل فاعل نیاز داریم. فاعل با سوال « کی - چی » پیدا می شود.

فاعل دارای انواع زیر است:

ضمیر بارز (ضمیر فاعلی): ضمیر متصل به فعل - جَلَسُوا ، إِذْهَبِي

اسم ظاهر: کلمه ای که در جواب (کی؟ - چی؟) می آید.

ضمیر مستتر:

فعل امر صیغه ۷ (حتما) - فعل ماضی صیغه ۴ و ۱ (ممکن)

فعل مضارع صیغه ۱ و ۴ و ۷ (ممکن)؛ صیغه ۱۳ و ۱۴ (حتما)

مثال:

جَلَسُوا عَلَى الْأَرْضِ



ضمیر بارز "او"

سَمِعَ النَّاسُ صَوْتَا



فاعل

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي



فعل و فاعله ضمیر مستتر "انت"

ب) مفعول به: از فعل سوال « چه کس را؟- چه چیز را؟ » می پرسیم ؛ کلمه ای در جوابی آید مفعول به است و دارای دو شکل می باشد:

(۱) اسم ظاهر: کلمه ای که در جواب سوال « چه کس را؟- چه چیز را؟ » می آید.

مانند: عرفت المرأة الفقيرة علیاً من البدايه ← مفعول: علیاً

ه - هما- هم .. ک- کما- کم.....نا

(۲) ضمیر منصوب :

اِیَاهُ - اِیَاهُمَا - اِیَاهُمْ .. اِیَاکَ - اِیَاکُمَا - اِیَاکُمْ .... اِیَانَا

نکته: متمم فارسی در عربی (اگر بدون حرف جریباید) مفعول خواهد بود:

مانند: اَلْهَمُّ اَلْهَمُّ نَا طَاعَتِکَ (الهام کن به ما اطاعتت را)

فعل و فاعله ضمیر مستتر "انت" مفعول به مفعول به

ارکان جمله اسمیه:

مبتدا: معمولاً در ابتدای جمله اسمیه می آید البته گاهی در جمله ابتدا خبر و سپس مبتدا ذکر می شود.

خبر: تکمیل کننده معنای مبتدا است.

نکته خیلی مهم: اولین فعل و یا اولین اسمی که پس از آن در ترجمه فارسی فعل ربطی آوردیم خبر خواهد بود

که خود دارای سه نوع است:

الف) خبر مفرد: یک اسم است ب) خبر جمله: یک فعل است (۳) خبر شبه جمله: جار و مجرور است

(۱) مُطَالَعَةُ الدَّرْسِ فِي الصَّبَاحِ نَافِعَةٌ ← مبتدا: مطالعة خبر: نافعة نوع خبر: مفرد

(۲) وَلِلّٰهِ یَعْلَمُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ ← مبتدا: الله خبر: یَعْلَمُ نوع خبر: جمله

(۳) الْوَالِی لِرَعِیَّتِهِ کَالْأَبِ لِأَوْلَادِهِ ← مبتدا: الوالی خبر: کالاب نوع خبر: شبه جمله

مثال: .

**نکته:** اگر جمله اسمیه ای با جارو مجرور آغاز شود همان جار و مجرور ابتدای جمله خبر مقدم است و مبتدا (مؤخر) خواهد بود. مبتدای مؤخر اینگونه مشخص می شود که اگر آن را آغاز جمله بیاوریم جمله معنای صحیحی خواهد داشت. مثال:

(۱) من المومنین رجال صدقوا...	(۲) من وظائف المسلمين مساعده الاخرین	(۳) للنباتات فوائد كثيرة
↓      ↓	↓      ↓	↓      ↓
مبتدا      خبرمقدم	مبتدا      خبرمقدم	مبتدا      خبرمقدم

**مجرور به حرف جر:** جارو مجرور در هر نوع دو جمله اسمیه و فعلیه دیده می شود.

حروف جر عبارتند از: من، الی، علی، ب، ل، ک، عن، ...

(۴) خانواده اعرابی: هر نقشی که تعیین کردیم باید علامت منحصر به خود را داشته باشد (این مسأله از ویژگی های زبان عربی

است) در عربی هر نقشی جزء یکی از چهار خانواده اعرابی زیر است:

۱. خانواده مرفوع (علامت رفع):  
 { فاعل  
 مبتدا  
 خبر }
۲. خانواده منصوب (علامت نصب): مفعول به
۳. خانواده مجرور (علامت جر):  
 { مجرور به حرف جر  
 مضاف الیه }
۴. خانواده مجزوم (علامت جزم): فعل نهی مضارع

## الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

## المعرفة والنكرة، أنواع المعارف

## تقسیم بندی از لحاظ شناخته شدن یا عدم شناخت

اسم ها از لحاظ شناخته شدن یا عدم شناخت به دو دسته ی کلی زیر تقسیم می شوند :

الف) اسم های نکره: اسمی که معرفه نباشد. مانند: رَجُلٌ - مَدَارِسٌ و ...

ب) اسم های معرفه: دارای تقسیمات و موارد زیر می باشد:

(۱) تمام ضمائر: هو ، هما ، ... کَ ، کما ، ... اِیَاهُ ... کتبا

(۲) تمام اسم های اشاره: هذا ، هذه ، ... ، ذلک ، تلک ، ... ، هنا ، هناک

(۳) تمام موصولات: الذی ، التّی ، الّذانِ ، ... ، الّذینَ ، ... ، مَنْ ، ما

(۴) اسم های عَلَم (خاص): شخص ، کوه ، شهر و ... ، ایران ، دماوند و ...

(۵) ذو اللام (اسم های دارای "ال-"): المدرّسة ، الجبل و ... .

(۶) معرفه بإضافة: اسمی که به معرفه دیگری اضافه شده باشد : کریمهم

## معارف شش بود؛ مضمرا صفا و علم، ذواللام، موصول و اشاره

نکته: ممکن است چند اسم پشت سر هم به یکدیگر اضافه شده باشند؛ برای این که تشخیص دهیم که آیا آن ها نیز معرفه

اند به آخرین اسم نگاه می کنیم . اگر آخرین اسم معرفه بود ، اسم های قبل که به هم اضافه شده اند نیز معرفه خواهند بود. در

غیر این صورت اسم های قبل معرفه نیستند.



سوال) عین المعارف و نوعها

۱- سَمِعَ النَّاسَ صَوْتاً

۲- بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

۳- الهمنا طاعتك و جنبنا معصيتك

نکته: معرّفه به اضافه را می توانیم از طریق کسره « ـِ » که در ترجمه بین دو اسم می آوریم شناسایی کنیم.

تست ۱: کم معرفه فی: « ذوقوا! هذا جزاء من نسي المساكين و المحرومين ».

(۱) ۲      (۲) ۳      (۳) ۴      (۴) ۵

تست ۲: کم جمع للتكثير في: « ناولت الإمرة الأطعمه الى اليتامى و المساكين و المحرومين ».

(۱) ۱      (۲) ۲      (۳) ۳      (۴) ۴

تست ۳: عین الذی عدد معارفه اکثر:

(۱) إلهی! قد سترت ذنوبی دائماً

(۲) النبی (ص): أنا مدینه العلم و علیّ بابها

(۳) العاقل من ابتعد الباطل

(۴) لماذا صرخ الرّاعی فی تلك المزرعة

تست ۴: کم اسم معرفه و نكرة یوجد فی هذه العبارة «هؤلاء قوم یعتقدون أنّ جمال العلم اصلاح العمل».

(۱) پنج معرفه، یک نکره      (۲) چهار معرفه، دونکره

(۳) شش معرفه، یک نکره      (۴) سه معرفه، یک نکره

تست ۵: کَم نوعاً مِنْ انواعِ المعارفِ يُوجَدُ فِي الْآيَةِ التَّالِيَةِ؟ «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ».

(۱) ثلاثه

(۲) أربعة

(۳) خمسة

(۴) ستة

### کارگاه ترجمه

- در ترجمه اسم های نکره معمولاً از لفظ « ی » استفاده می کنیم. مثال: ذئبٌ : گرگی، یک گرگ
- اگر پس از اسم اشاره ، اسمی دارای " ال " بیاید ، آن اسم اشاره هرچه باشد ، مفرد ترجمه می شود.

هؤلاء الرِّجال

هذان الرِّجالان

هذا الرِّجل



این مردان ...

این دو مرد ...

این مرد ...

و در صورتی که اسم بعد از اشاره بدون " ال " باشد آن اسم اشاره در معنای اصلی خود ترجمه می شود.

هؤلاء رجالٌ

هذان رجالان

هذا رجلٌ



اینان، مردانی هستند.

این دو، دو مرد هستند.

این مردی است.

## الدَّرْسُ الثَّانِي

## علامات الإعراب الفرعية (۱)

هر خانواده اعرابی ( مرفوع ، منصوب ، مجرور و مجذوم ) دارای علامت ها و نشانه های خاص خود می باشد. این علامت ها را

می توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد:

## علامت های اصلی اعراب ( ظاهری ):

الف) علامت های اصلی رفع ( مرفوع ): « —ُ »

ب) علامت های اصلی نصب ( منصوب ): « —ٌ »

ج) علامت های اصلی جر ( مجرور ): « —ِ »

د) علامت اصلی جزم ( مجرور ): « —ْ »

## علامت های فرعی اعراب ( نیایی ):

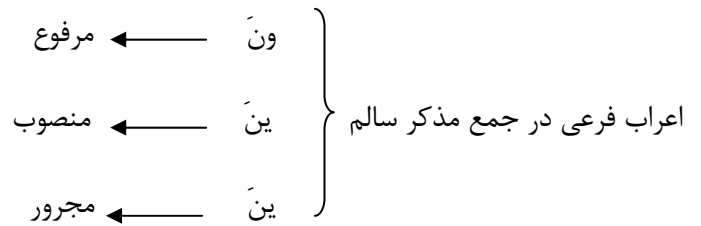
پنج دسته از کلمات دارای نشانه های فرعی اعراب هستند (نمی توانند نشانه های اصلی اعراب را بگیرند )

این کلمات عبارت اند از:

الف) اسم های مثنی: که علامت های اعراب در این اسم ها به شرح زیر است:

انِ ← مرفوع	} اعراب فرعی در مثنی
ینِ ← منصوب	
ینِ ← مجرور	

ب) اسم های جمع مذکر سالم: که نشانه های اعراب در آن ها به شرح زیر است:



### ج) اسمای خمسه که عبارت اند از: **أَب ، أَخ ، ذُو**

علامت های اعراب در این اسم ها به شرح زیر است:

این اسم ها هرگاه مرفوع شوند « و » می گیرند: أبو ، أخو ، اذو

این اسم ها هرگاه منصوب شوند « ا » می گیرند: أبا ، أخوا ، اذا

این اسم ها هرگاه مجرور شوند « ی » می گیرند: أبی ، أخی ، اذی

**نکته خیلی مهم:** اسماء خمسه فقط در حالتی اعرابشان فرعی است که پس از آن هامضاف الیه بیاید.

سوال: أعرب ما أشيرُ اليه بِخط:

الف) إِرْحَمِي إِبْرَاكٍ وَ أُمِّكَ الْعَجُوزِينَ

ب) المُجْتَهِدُونَ نَاجِحُونَ

ج) أخونا مَن يُسَاعِدُنَا فِي الشَّدَادِ

د) كانت المَراةُ أُمَّاً لِطِفْلَيْنِ صَغِيرِينَ

### کارگاه ترجمه

فعل آغاز جمله که فاعلش دارنده اسم ظاهر است به صورت مفرد می آید ولی به صورت فاعل خود ترجمه می شود.

جاءَ المُعَلِّمُونَ



معلم ها آمدند.

جاءَ المُعَلِّمِينَ



دو معلم آمدند.

جاءَ المُعَلِّمُ



معلم آمد.

تست ۱. عین اصحیح للفراغ: «يذهب كثيرٌ من ... في ... الحجّة الى مكّه».

(۱) المسلمین - ذی

(۲) المسلمون - ذی

(۳) المسلمین - ذو

(۴) المسلمون - ذو

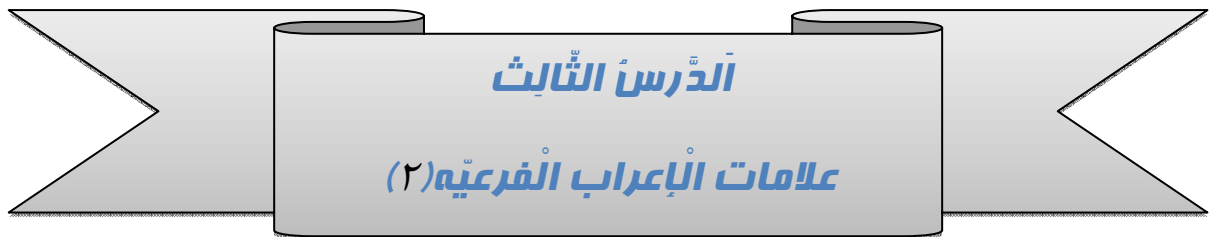
تست ۲. عین نوع اعراب ما أشیر إليها بخط: «هذا جزءٌ من نسی المساکین».

(۱) اصلی - فرعی

(۲) اصلی - اصلی

(۳) فرعی - فرعی

(۴) فرعی - اصلی



(د) جمع مؤنث سالم:

اسم های مؤنث سالم هرگاه منصوب شوند به جای « َـ » حرکت « ِـ » می گیرند.

مثال: شاهدتُ فی الشارعِ طالباتٍ

مفعول، منصوب، فرعی

خلاصه: حرکت گذاری جمع های مؤنث سالم به شرح زیر می باشد:

در حالت رفع: مرفوع ُـ اصلی      در حالت جرّ: مجرور ِـ اصلی      در حالت نصب: منصوب ِـ فرعی

(ه) منصرف و غیر منصرف (ممنوع من الصّرف)

برای تشخیص اسم های منصرف از غیر منصرف، موارد اسم های غیر منصرف را فرا می گیریم، سایر اسم ها منصرف هستند.

موارد اسم های غیر منصرف عبارتند از:

۱. اسم های علم مؤنث (خاص مؤنث): فاطمه - زینب - مریم - ...

۲. اسم های غیرعربی: ابراهیم - اسماعیل - فرعون - یوسف - کورش - نوح و ...

۳. شهرها و کشورها: مکه - طهران - ایران - ...

۴. وزن }  
 أَفْعَل: أَفْضَل  
 مَفَاعِل: مَسَاجِد  
 مَفَاعِل: مَكَاتِب

**توجه:** اسم های غیر منصرف عمراً تنوین نمی گیرند!

**نکته:** اسم های غیر منصرف کسره نمی گیرند و به جای آن علامت فرعی « — » می گیرند.

**نکته:** در دو حالت اسم های غیر منصرف کسره می گیرند:

الف) زمانی که دارای « ال » باشند.      ب) مضاف واقع شده باشند.

أرسلنا إلى فرعون رسولا      كان في بغداد رجل زاهداً  
 مجرور به حرف جرّ، مجرور، فرعی      مجرور به حرف جرّ، مجرور، فرعی

تست ۱. ماهو إعراب «آیات» و «الطغیان» فی «یرفع آیات القرآن، کی یتهدم عرش الطغیان»؟

(۱) منصوب - مجرور      (۲) منصوب - منصوب

(۳) مجرور - مجرور      (۴) مجرور - منصوب

تست ۲. عین الصحیح فی التشکیل:

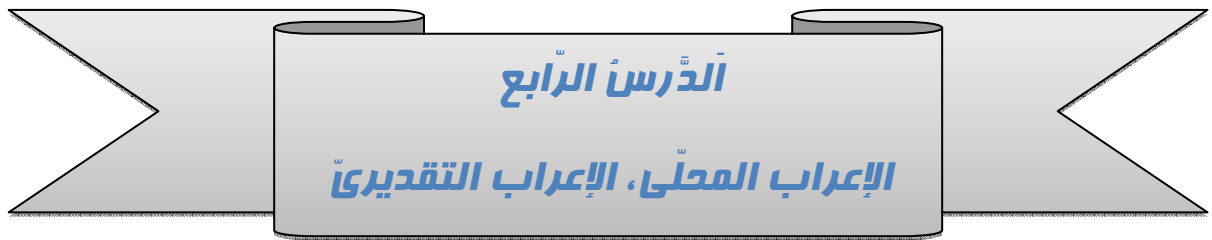
« لما شاهد المكانة الرفیعة للعلماء فی محافل المدینة عزم علی الذهاب الی مدارس فی خوارزم.»

(۱) علماء، محافل، مدارس، خوارزم      (۲) المكانة، محافل، مدارس، خوارزم

(۳) المكانة، محافل، الذهاب، مدارس      (۴) علماء، محافل، مدارس، خوارزم

## کارگاه ترجمه

گاهی می توان مصدر را به صورت فعل ترجمه کرد  
 قصدتُ الرجوعَ إلى المكتبة: خواستم به کتابخانه برگردم.



## اعراب تقدیری:

برخی کلمات معرب علامت اعراب را به علت ویژگی های ظاهری خود نشان نمی دهند و علامت اعراب در آنها مقدر است .

موارد اعراب تقدیری عبارت اند از:

الف) کلمات مقصور: الدُّنیا ، الّهْدی ، ...

ب) کلمات منقوص: الرّاعی ، القاضی ، الداعی ...

ج) کلمات اضافه شده به «ی» متکلم (صیغه ۱۳): کتّابی ، ...

مثال:

جاءَ الّهْدی من ربّک الّهْدی: فاعل ، مرفوع ، تقدیراً

شاهدَ القاضی فی الشارع المجرمَ القاضی: فاعل ، مرفوع ، تقدیری

سَلَّمْتُ علیّ اَبیّ اَبی: مجرور به حرف جر ، مجرور ، تقدیراً

جَعَلْتُ کِتّابی فوقَ المنضدة کتّابی: مفعول ، منصوب ، تقدیراً

نکته: اسم های مقصور هرگاه بدون « ال » بیایند با تنوین « ً » نشان داده می شوند که این علامت می تواند نشانه ی رفع ، نصب و جرّ باشد.

مثال: جاءَ هُدًى ← هُدًى: فاعل ، مرفوع ، تقدیراً

**نکته:** اسم های منقوص هرگاه بدون «ال» بیایند با تنوین «ا» نشان داده می شوند و حرف «ی» از انتهای آنها حذف می شود. این تنوین نشانه ی رفع و جر می باشد.

مثال: مررتُ بقاضٍ ← بقاضٍ: مجرور به حرف جر ، مجرور ، تقدیراً

جاءَ قاضٍ ← قاضٍ: فاعل ، مرفوع ، تقدیراً

**نکته:** اسم های منقوص هرگاه منصوب شوند حرکت را در خودشان ظاهر می کنند و اعرابشان اصلی است.

مثال: رأیتُ القاضیَ ؛ رأیتُ قاضياً

**نکته:** اسم هایی که به «ی / یّ / ی» ختم می شوند تقدیری نیستند.

مثال: علیّ ، میلادیّ ، الوحیّ ، السعیّ

### اعراب محلی:

(۱) کلمات مبنی: هوَ جَلَسَ على الكرسيّ؛ (هو: مبتدا، مرفوع، محلی) (جَلَسَ: خبر، مرفوع، محلی)

(۲) شبه جمله ها: لِفاطمة فضائلٌ كثيرةٌ؛ (فاطمة: خبر مقدم، مرفوع، محلاً)

(۳) جمله: و الله يعلمُ ما فی السَّمَاواتِ؛ (يعلمُ: خبر، مرفوع، محلاً)

موارد اعراب محلی

تست ۱. عین الصحیح عن اعراب ماتحته خطّ «الجاهلِ مَنْ يَتَّبِعُ الهوى»

(۱) مرفوع محلاً، منصوب تقدیراً

(۲) مرفوع تقدیراً، منصوب ظاهراً

(۳) مرفوع محلاً، منصوب محلاً

(۴) منصوب محلاً، منصوب تقدیراً



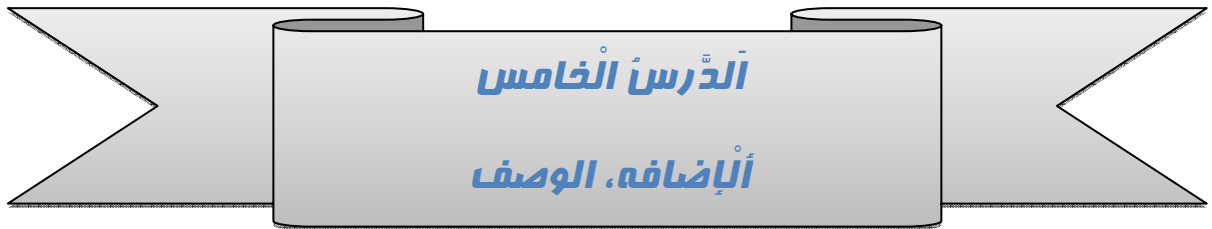
تست ۲. فی أي عبارة ليس اعراب الخبر محلياً:

(۱) الغربُ لا يريدُ لكم غير ضياعكم.

(۲) الساعي في الخير كفاعله.

(۳) العاقل مَنْ يعتبر بالتجارب.

(۴) كلَّكم راعٍ.



### ترکیبات وصفی:

(موصوف و صفت) هر گاه دو اسم به دنبال یکدیگر بیایند و اسم دوم اسم اول را توصیف کند ترکیبی وصفی تشکیل شده است

که اسم اول موصوف (موصوف نقش نیست) و اسم دوم نقش صفت (نعت) را خواهد داشت.

توجه ۱: معمولاً اگر در ترجمه پس از صفت لفظ "تر" بیاوریم ترکیب معنادار خواهد بود.

توجه ۲: صفت از لحاظ اعراب تابع موصوف خود خواهد بود.

مثال: ماءً صافياً الوَرْدَةُ الْجَمِيلَةُ

نکته: موصوف و صفت همان طور که در مثال های بالا مشاهده شد باید از چهار جهت با یکدیگر مطابقت داشته باشند.

۱. اعراب: (مرفوع - منصوب - مجرور)

۲. جنس: (مذکر - مؤنث)

۳. تعداد: (مفرد - مثنی - جمع)

۴. معرفه و نکره

نکته: برای اسم هایی که مؤنث مجازی هستند صفت مفرد مؤنث می آوریم. مانند: النفسُ المطمئنةُ - ارضٌ خاليةٌ

❖ اسم های مؤنث مجازی عبارتند از: شمس، دار، نفس، ریح، أرض ... اعضای زوج بدن همچون اذن، عین، ید، رجل

نکته: برای جمع های مکسر غیر انسان می توان صفت مفرد مؤنث می آوریم. مانند: مناطقٍ مختلفةٍ - اياماً معدودةً

نکته: جمله ای که پس از یک اسم نکره می آید جمله ی وصفیه و دارای اعراب محلی است.

مثال: رأيتُ طبيباً يُمشي بهدودٍ نظرتُ إلى كلبٍ يلحثُ

اسم نکره جمله وصفیه، منصوب، محلاً / اسم نکره جمله وصفیه، مجرور، محلاً

### ترکیبات اضافی:

زمانی است که دو اسم به دنبال یکدیگر بیایند و اولی مال دومی است.

توجه: مضاف الیه مجرور است ( ـِ ـِ ـِ ، ـِ ـِ و در غیر منصرف ها ـَ )

نکته خیلی مهم: مضاف «ال» و «تنوین» نمی گیرد. النفس + ه ← نفسِه

النفس + ه ← ~~النفسِه~~

نکته: اسم های مثنی و جمع مذکر سالم هنگام مضاف واقع شدن حرف «ن» آخر آنها حذف می شود.

مثال: مؤمنونَ المَدِينَةِ ← مؤمنو المَدِينَةِ ؛ السَّيِّدانِ + الشَّباب ← سَيِّدا الشَّبابِ

نکته: هر گاه اسمی در آن واحد هم مضاف الیه و صفت بگیرد ابتدا مضاف الیه را به آن می دهیم و در مرحله بعد صفت را

اضافه می کنیم؛ ولی در ترجمه ابتدا صفت و سپس مضاف الیه را می کنیم.

## کارگاه ترجمه

(۱) صفت همیشه (از لحاظ تعداد هر چه باشد) مفرد ترجمه می شود.

مثال: أشجارٌ باسقةٌ (درختان بلند) ؛ بقرتینِ سمنینِ (دوگاو فربه)

(۲) فعل داخل جمله وصفیه به اشکال زیر ترجمه می شود:

(الف) اگر فعل جمله ی وصفیه ماضی باشد: (فعل جمله وصفیه ماضی بعید ترجمه می شود)

إشتریتُ کتاباً قد رأیتُ فی المكتبةِ ← کتابی را که در کتابخانه دیده بودم خریدم.

(ب) اگر فعل جمله ی وصفیه مضارع و فعل قبل آن ماضی باشد: (فعل جمله وصفیه ماضی استمراری ترجمه می شود)

سمعتُ نداءً یدعونی إلى الحقِّ ← صدایی که مرا به حق فرا می خواند شنیدم.

(ج) فعل جمله وصفیه مضارع و فعل قبل از آن مضارع باشد: (فعل جمله وصفیه مضارع التزامی ترجمه می شود)

أفتشُّ عن کتابٍ یساعدنی فی فهمِ النصوصِ ← کتابی که مرا در فهم متون کمک کند جستجو می کنم.

تست ۱. أكمل الفراغ بالصفة المناسبة؟ «العلماء... ألفوا كتباً... على مرّ العصور»

(۱) المسلمون - كثيراً

(۲) المسلمون - كثيراً

(۳) المسلمین - كثيراً

(۴) المسلمین - كثيراً

تست ۲. كم نعتاً فی العبارة التالية؟ «وجدتُ الكتابَ صديقاً مخلصاً يُبعدنا عن الضلالة ویرشدنا إلى صراط المستقیم»

(۱) واحد

(۲) ثلاثة

(۳) أربعة

(۴) اثنان

## الدَّرْسُ السَّادِسُ

### إِعْرَابُ الْفِعْلِ الْمَضَارِعِ ۱

مقدمه اول : برای تمام کلمات معرب میتوان اعراب ۴ چیز تعیین کرد.

مقدمه دوم: فعل های مضارع چون معرب هستند(غیر از ۶-۱۲) می توان برایشان اعراب کامل نوشت.

انواع فعل های مضارع:

۱. مضارع مرفوع
۲. مضارع منصوب
۳. مضارع مجزوم

#### ❖ مضارع مرفوع

مضارع مرفوع: صرف این فعل را قبلاً فرا گرفته ایم.

نشانه های فعل مضارع مرفوع <sup>ُ</sup> و بودن « ن » در انتهای آن می باشد که :

<sup>ُ</sup> ← اصلی  
 ن ← فرعی به ثبوت «ن»

مثال ۱:

يَشْكُرُ ← فعل مضارع ، مرفوع ، اصلی

تَجْلِسَانِ ← فعل مضارع، مرفوع، فرعی به ثبوت نون

تَفْتَحَنَّ ← فعل مضارع ، مرفوع، محلاً

لَا يَدْخُلُونَ ← فعل مضارع، مرفوع ، فرعی به ثبوت نون

مثال ۲: فعل مضارع مرفوع من (ج ل س) للغائبينَ مِنْ بَابِ مَفَاعَلَةٍ ← يُجَالِسُونَ

## ❖ مضارع منصوب

هدف از ساختن این مضارع رساندن معانی جدید توسط فعل است با دو عمل زیر فعل مضارع مرفوع به فعل مضارع منصوب تبدیل می شود.

الف) آوردن یکی از حروف نصب به ابتدای فعل:

حروف نصب عبارتند از: آن (که)، لَنْ (هرگز)، كَيْ، لِي، لِكَيْ، حَتَّى (تا، برای اینکه)

ب) تغییرات مقابل را در فعل ایجاد می کنیم

$$\left. \begin{array}{l} \text{ـَ} \leftarrow \text{ـُ} \\ \text{ن} \leftarrow \text{ن} \\ \text{ن} \leftarrow \text{مضارع ۱۲ و ۶} \end{array} \right\}$$

مثال:

يَذْهَبُونَ	يَذْهَبْنَ	يَذْهَبَانِ	يَذْهَبُ
↓ منصوب	↓ منصوب	↓ منصوب	↓ منصوب
ليذهبوا	حَتَّى يَذْهَبْنَ	لَنْ يَذْهَبَا	أَنْ يَذْهَبَ
⇓	⇓	⇓	⇓
فعل مضارع، منصوب، فرعی به حذف (ن)	فعل مضارع، منصوب، محلاً	فعل مضارع، منصوب، فرعی به حذف (ن)	فعل مضارع، منصوب، اصلی

✓ فعل مضارع منصوب من (ک ب ر) لِلْمُخَاطَبَةِ من باب إِسْتِفْعَال ← لَنْ تَسْتَكْبِرِي

## کارگاه ترجمه

☑ لَنْ (هرگز) + فعل مضارع ← مستقبل منفی (مضارع منفی)

مثال: يَذْهَبُ: می رود ← لَنْ يَذْهَبُ: هرگز نخواهد رفت (هرگز نمی رود)

☑ أَنْ ، كَيْ ، لِي ، لِكَيْ ، حَتَّى + فعل مضارع ← مضارع التزامی

مثال: يَشْكُرُ: شکر می کند ← أَنْ يَشْكُرَ: این که شکر کند

تست ۱. فی آیّ عبارتة ما جاء المضارع المنصوب؟

(۱) لِنَسَاعِدِ اصْدِقَاءَنَا عِنْدَ الشَّدَائِدِ.

(۲) لَنْ تَبْلُغَ الْمَجْدَ حَتَّى تَلْعَقَ الصَّبْرَ.

(۳) نَطْلُبُ مِنَ اللَّهِ أَنْ يَسْتُرَ عَيْبُونَا.

(۴) عَلَى الْوَالِي الْعَادِلِ أَنْ لَا يَظْلِمَ رَعِيَّتَهُ.

تست ۲. ایّ عبارتة لایشتمل علی المضارع المنصوب؟

(۱) أَمَا الرَّسُولُ فَقَدْ نَجَّاهُ اللَّهُ لِيُوَاصِلَ أَدَاءَ رِسَالَتِهِ مِنَ الْمَدِينَةِ

(۲) أَوْلَا بَأْنِ يَبْقَى فِي مَكَّةَ لِأَدَاءِ الْأَمَانَاتِ

(۳) فَاخْتَارَ الرَّسُولُ ابْنَ عَمِّهِ عَلَى بَنِ أَبِي طَالِبٍ لِيَقُومَ بِعَمَلِينَ هَامِينَ

(۴) صَدَقْتَ إِنَّهُمْ أَكْرَمُونِي لِأَنِّي أَصِيدُ لَهُمْ وَلَا أَتَكَلَّمُ

## الدَّرْسُ السَّابِعُ

### إِعْرَابُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ ۲

#### ❖ مضارع مجزوم

سومین دسته از مضارع، مضارع مجزوم است که از دو طریق قابل شناختن است:

الف) قبل از آن یکی از حرف جزم می آید.

بُ      ←      نُ      اصلی  
 } (ب) انتهای فعل مجزوم شود:  
 ن      ←      نَ (غیر از ۱۲ و ۶) فرعی به حذف «ن»

حروف جزم عبارتند از: لم (هرگز) - لَمَّا (هنوز) - لا (نهی) - لِ (امر) - إِنْ (اگر) - مَنْ (کسی که) - ما (چیزی که)

**نکته ۱:** به سه حرف «إِنْ - مَنْ - ما» علاوه بر حروف جزم، حرف شرط نیز می گویند.

**نکته ۲:** حروف شرط توانایی مجزوم کردن دو یا چند فعل را دارند که به فعل اول مجزوم شده فعل شرط و به فعل بعد جواب

شرط می گویند.

**نکته ۳:** حروف شرط حتی فعل ماضی را محلاً مجزوم می کنند.

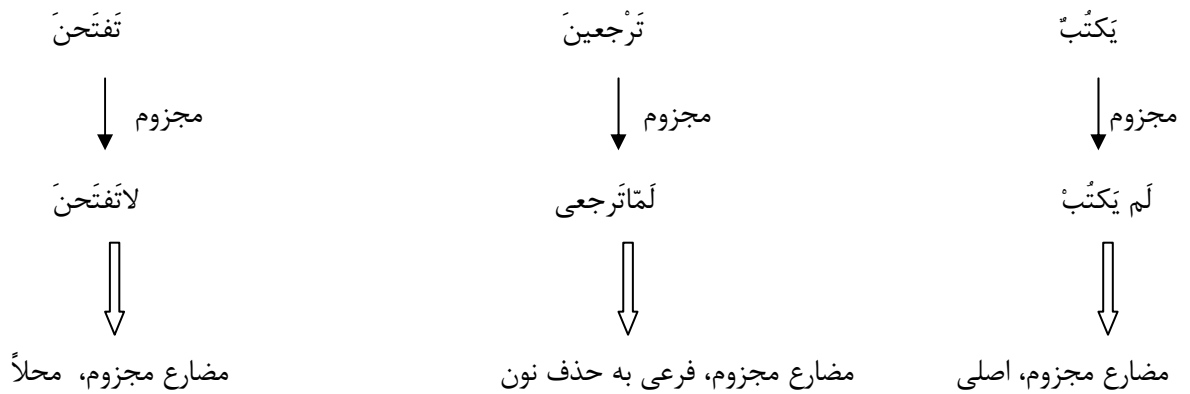
مثال:

إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أقدامكم

مضارع مجزوم، فرعی به حذف نون      مضارع مجزوم، اصلی      مضارع مجزوم، اصلی

مَنْ طَلَبَ الْعُلَى سَهَرَ اللَّيَالِي

ماضی مجزوم، محلاً (فعل شرط)      ماضی مجزوم، محلاً (جواب شرط)



### کارگاه ترجمه

- لَمْ + فعل مضارع ← ماضی منفی      یذهبُ (می رود) ← لَمْ يَذْهَبْ (نرفت)  
 لَمَّا + فعل مضارع ← ماضی نقلی منفی      يَكْتُبُ (می نویسد) ← لَمَّا يَكْتُبُ (هنوز ننوشته است)

**نکته:** لَمَّا اگر به فعل ماضی اضافه شود حرف جزم نیست و معنای « زمانی که » می دهد. مانند: لَمَّا رَجَعَ (زمانی که بازگشت)

- لا + صیغه های مخاطب ← نهی      تَدْخُلُ ← لَا تَدْخُلُ (داخل نشو)  
 لا + صیغه های غایب و متکلم ← نباید      تَسْمَعُ ← لَا تَسْمَعُ (نباید بشنود)

- علاوه بر شیوه ای که برای ساختن فعل امر در فعل های مخاطب مرسوم است می توان به وسیله حرف « لام جزم »

نیز از افعال امر ساخت که در ترجمه برای آن لفظ باید می آوریم. مانند: لَيَنْظُرُ (باید نگاه کند)

**نکته:** راه تشخیص لام جزم از لام نصب؛ لام نصب معنی تا می دهد و غالباً در وسط جمله می آید ولی لام جزم معنی باید

می دهد.

مثال: مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ



فعل شرط ← مضارع التزامی

جواب شرط ← مضارع اخباری



تست ۱. با توجه به عبارت کدام گزینه درست است؟

« لِيَجْعَلَ الْإِنْسَانَ جَاهِدَ هَذَا الْحَيَوَانَ الصَّغِيرَ نَصَبَ أَعْيُنِهِ »

(۱) نُصِبَ، جُهِدُ (۲) يَجْعَلُ، جُهِدَ

(۳) الْإِنْسَانَ، أَعْيُنَ (۴) يَجْعَلُ، نُصِبَ

تست ۲. عَيْنِ اصْحِيح (فِي إِعْرَابِ الْفِعْلِ):

(۱) إِنَّ الْكَافِرِينَ لَنْ يَدْعُونَ بِمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ.

(۲) أُولَئِكَ الطَّالِبَاتُ لَمْ يُهْمَلْنَ وَاجِبَاتِهِنَّ.

(۳) إِنَّ يَتَعَلَّمُ الطَّلَابُ طُولَ السَّنَةِ يَجِدُونَ ثَمَرَتَهُ آخِرَ السَّنَةِ!

(۴) طَلَبْتُ مِنْ زَمَلَائِي أَنْ يَسَاعِدُونَنِي فِي تَعَلْمِ الدَّرْسِ.

تست ۳. عَى الْمُنَاسَى لِلْفِرَاقِ «مَا ... مِنْ خَيْرٍ ... اللَّهُ»

(۱) تَعْمَلُونَ - يَعْلَمُ (۲) تَعْمَلُونَ - يَعْلَمُهُ

(۳) تَعْمَلُوا - يَعْلَمُهُ (۴) تَعْمَلُونَ - يَعْلَمُهُ

تست ۴. عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ إِعْرَابِ الْمُضَارِعِ عَلَى التَّرْتِيبِ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ.»

(۱) مضارع مرفوع باعراب اصليّ / مضارع منصوب باعراب اصليّ

(۲) مضارع مرفوع باعراب فرعيّ / مضارع منصوب باعراب فرعيّ

(۳) مضارع مجزوم باعراب اصليّ / مضارع منصوب باعراب اصليّ

(۴) مضارع مجزوم باعراب فرعيّ / مضارع منصوب باعراب فرعيّ

## الدَّرْسُ الثَّامِنُ

## المَبْنِيّ لِلْمَعْلُومِ - المَبْنِيّ لِلْمَجْهُولِ

## فعل مجهول:

برخی اوقات به دلایلی فاعل جمله حذف می شود و فعل به صورت مجهول ظاهر می شود.

(۱) نام گذاری: در عربی به فعل معلوم مبنی للمعلوم و به فعل مجهول مبنی للمجهول گفته می شود.

(۲) مجهول کردن فعل ماضی: حرف ما قبل آخر از حروف اصلی را کسره — می دهیم و تمام حروف حرکت دار قبل را

ضمه — می دهیم.

مثال: رَزَقَ ← رَزِقَ      كَتَبَ ← كَتِبَ      اسْتَكْبَرَ ← اسْتُكْبِرَ

(۳) مجهول کردن فعل مضارع: حرکت ما قبل آخر از حروف اصلی را فتحه — و فقط حرف مضارع راضمه — می دهیم.

مثال: يَنْصُرُ ← يُنْصَرُ      يَقْتُلُ ← يُقْتَلُ      يَأْخُذُ ← يُأْخَذُ

(۴) مجهول کردن یک جمله: مراحل زیر را به ترتیب انجام می دهیم:

(الف) حذف فاعل از هر نوعی که باشد

(ب) انتقال مفعول به جمله مجهول و مرفوع کردن آن (نایب فاعل)

(ج) مجهول کردن فعل

(د) تطابق بین فاعل و فعل از لحاظ جنس (مذکر و مؤنث)

مثال: كَتَبَ اللهُ الصِّيَامَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ ← كَتَبَ الصِّيَامَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ

أَخَذَ عَلَى رِسَالَةٍ مَجْهُول ← أَخَذَتِ الرِّسَالَةَ

نَرَزَقُ الْعِبَادَ ← يُرَزَقُ الْعِبَادُ

(۵) **نایب فاعل:** همانطور که در جملات معلوم نیاز به فاعل داریم در جملات مجهول نیز نیاز به نایب فاعل داریم که مانند فاعل با سوال «کی؟» و «چی؟» پیدا می شود (البته از فعل مجهول) و دارای سه نوع می باشد:

(۱) ضمیر بارز: تَفْتَحُونَ - أُخَذُوا

(۲) اسم ظاهر: يُرْزَقُ الْعِبَادُ

(۳) ضمیر مستتر: نُكْرِمُ : فعل مجهول و نایب فاعله ضمیر مستتر "نحن"

مثال: غیر المبنيّ للمعلوم للمبنيّ المجهول.

۱. اِكْتَسَبَ التَّلْمِيذُ التَّجْرِبَةَ ← مجهول اِكْتَسَبَتِ التَّجْرِبَةُ

۲. يُعَاقَبُ اللَّهُ الْمَجْرِمِينَ ← مجهول يُعَاقَبُ الْمَجْرِمُونَ

۳. اَسَّسَ الْمُحْسِنُ مَسَاجِدَ كَثِيرَةً ← مجهول اَسَّسَتِ مَسَاجِدُ كَثِيرَةً

۴. يُهَاجِمُ الْأَعْدَاءَ الْمُؤْمِنَاتِ الْمُسْلِمَاتِ ← مجهول تُهَاجِمُ الْمُؤْمِنَاتُ الْمُسْلِمَاتُ

**نکته:** اگر نایب فاعل اسم جمع مکسر غیر انسان یا مونث مجازی و یا هر نوع دیگر باشد فعلش را نیز مفرد مونث می آوریم.

(۶) **هر گاه مفعول ضمیر متصل منصوب باشد** هنگام مجهول ساختن جمله ضمیر معادل متصل مرفوع را به آخر فعل

می چسبانیم. (معادل شماره همان ضمیر منصوب)

مثال: أَخَذَكَ ← أَخَذْتَ رَحِمَةً ← رَحِمَةٌ رَزَقَهُمُ اللَّهُ ← رَزَقُوا

(۷) **هنگام مجهول ساختن یک جمله اگر فاعل دارای صفتی باشد** آن صفت را نیز با فاعل حذف می کنیم و اگر مفعول به

دارای صفتی باشد آن صفت را نیز به همراه مفعول مرفوع می کنیم.

مثال: أَخَذَ الرَّجُلُ الْأَوَّلُ الْوَدِيعَةَ الثَّمِينَةَ بِالْمَكْرِ ← مجهول أَخَذَتِ الْوَدِيعَةُ الثَّمِينَةُ بِالْمَكْرِ

صُنِعَتِ الْعَطُورُ مِنَ الْأَزْهَارِ الطَّيِّبَةِ ← معلوم صَنَعَ الْعَامِلُونَ الْعَطُورَ مِنَ الْأَزْهَارِ الطَّيِّبَةِ

۸) فعل های مجهول متعدی هستند.

مثال: غیر المبنيّ للمعلوم للمبنيّ المجهول.

۱. نُنْفِقُ اموالنا في سبيلِ اللهِ ← مجهول يُنْفِقُ اموالنا في سبيلِ الله

۲. تَحْمَلْنَا مشاكلَ عديدةً ← مجهول تُحْمَلُ مشاكلُ عديدةً

۳. يَعْرِفُ الناسُ الاصدقاءَ الاوفياءَ عند الشدائد ← مجهول يُعْرِفُ الاصدقاءَ الاوفياءَ عند الشدائد

۴. جَعَلَكِ من الصادقاتِ ← مجهول جُعِلَتْ من الصادقاتِ

۵. بُعِثْتُ لِاتِّمِمْ مكارمَ الاخلاقِ ← معلوم بَعَثَنِي لِاتِّمِمْ مكارمَ الاخلاقِ

۶. جُعِلْتُ ← معلوم جَعَلَنِي

تست ۱) عيّن المبنيّ للمجهول.

۱) أنفق أنا بعض اموالی لفقراء بلدی

۲) انفق من اموالك لجارک المحتاج

۳) أنفق اموال كثير في شهر رمضان

۴) أنفق المؤمن بعض امواله إلى المساكين

تست ۲) عيّن الفاعل «هناك اسرارٌ جعلت للعالم لا تدرك آلا بعد ان يسبح خالقها»

۱) ليس هناك فاعلٌ ۲) الاسم الظاهر: خالق ۳) الضمير المستتر في تدرك: انت ۴) ت في «جعلت» و انت في «تدرك»

تست ۳) باتوجه به عبارت کدام گزینه درست است؟

« لِيَجْعَلَ الْاِنْسَانَ جَهْدَ هَذَا الْحَيْوَانِ الصَّغِيرِ نَصَبَ اَعْيُنِهِ »

۱) نُصِبَ، جُهْدُ

۲) يَجْعَلُ، جُهْدُ

۳) اَلْاِنْسَانُ، اَعْيُنَ

۴) يَجْعَلُ، نُصِبَ

تست ۴) عین الصحیح ( فی إعراب الفعل ) :

(۱) إِنَّ الْكَافِرِينَ لَن يَدْعُونَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ.

(۲) أولئك الطالبات لم يُهملنَ واجباتهنَّ.

(۳) إِنَّ يَتَعَلَّمُ الطَّلَابُ طُولَ السَّنَةِ يَجِدُونَ ثَمَرَتَهُ آخِرَ السَّنَةِ!

(۴) طلبتُ من زملائي أن يساعدونني في تعلم الدرس.

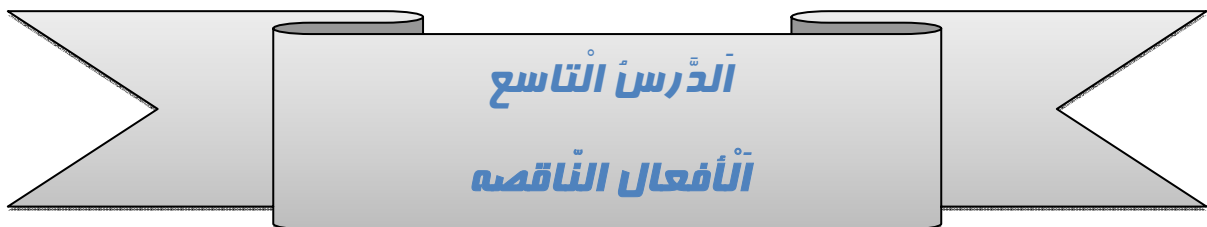
تست ۵) عین المناسی للفراغ «ما . . . من خيرٍ . . . الله»

(۱) تَعْمَلُونَ - يَعْلَمُ

(۲) تَعْمَلُونَ - يَعْلَمُهُ

(۲) تَعْمَلُوا - يَعْلَمُهُ

(۴) تَعْمَلُونَ - يَعْلَمُهُ



### ۱. افعال ناقصه

این افعال عبارتند از: كانَ - صارَ - (شد) لیس (نیست) اصْبَحَ (شد) مادام (مادامی که) مازال (پیوسته)

**تذکره:** این افعال قبل از جمله اسمیه می آیند: مبتدأ را به حال خود باقی گذاشته ولی خبر را منصوب می سازند.

**توجه:** کلمه ای که در آغاز مبتدا بود اسم افعال ناقصه و کلمه ای که در آغاز خبر بود، خبر افعال ناقصه گفته می شود.

خلاصه: افعال ناقصه : اسم افعال ناقصه  
 خبر افعال ناقصه  
 ↓ ↓  
 منصوب مرفوع

**نکته:** هنگام صرف افعال ناقصه ای که حرف وسط آنها (الف - یا) است از صیغه شش به بعد آن **الف و ی** حذف می شود.

**مثال:** کان - کانا - کانوا - کانت - کانتا - کن - کنت - کنتما

لیس - لیسا - لیسوا - لیست - لیستا - لسن - لست - لستما

**سوال:** جملات زیر را با فعل ناقص داده شده بازنویسی کنید.

اللهُ غفورٌ (کان) ← کان اللهُ غفوراً  
 اسم کان، مرفوع، اصلی خبر کان، منصوب، اصلی

علیٌّ یُعرفُ بالشجاعةِ (کان) ← کان علیٌّ یُعرفُ بالشجاعةِ

انتَ وحیدٌ (أصبح) ← أصبحتَ وحیداً

الشجاعةُ بالاقوالِ (لیس) ← لیستَ الشجاعةُ بالاقوالِ

انتِ ذوهمةٌ (کان) ← کنتِ ذاهمةٌ

نحنُ بنعمةِ ربِّنا إخوانٌ (أصبح) ← أصبحنا بنعمةِ ربِّنا إخواناً

أنا معك (مادام) ← مادمتُ معك

## ۲. پیدا کردن اسم و خبر افعال ناقصه

اسم افعال ناقصه ممکن است به صورت ضمیر فاعلی و یا ضمیر مستتر و یا اسم ظاهر باشد.

هرگاه ضمیر فاعل به فعل متصل بود همان ضمیر مرفوع اسم افعال ناقصه خواهد بود و در غیر این صورت فرض می کنیم

جمله فاقد افعال ناقصه است و ما می خواهیم برای جمله مبتدا و خبر را پیدا کنیم مبتدا اسم افعال ناقصه و خبر، خبر افعال

ناقصه خواهد بود (البته خبری منصوب)

نکته ۱: خبرافعال ناقصه به سه شکل دیده می شود: الف) خبرمفرد (زمانی است که خبرافعال ناقصه یک اسم است)

ب) خبرجمله (زمانی است که خبرافعال ناقصه بایک فعل آغازشود)

ج) خبرشبه جمله (که یک جارومجروریاظرف ومظروف است)

نکته ۲: خبرافعال ناقصه اگر شبه جمله باشد می تواند براسم افعال ناقصه مقدم شود.

مثال:

کانتُ	الغابَةُ	حَمِيلَةٌ	كانَ اِحَدُ	هما	يَفْخِرُ	بنفسه
اسم کان، مرفوع، اصلی	اسم کان، مرفوع، اصلی	خبرمفرد، منصوب، اصلی	اسم کان، مرفوع، اصلی	خبرکان (جمله)، منصوب، محلی	اسم کان، مرفوع، اصلی	خبرکان (جمله)، منصوب، محلی
ليستُ	الشجاعةُ	بالاقوال	كانَ لِامْرَاةٍ	بستانُ	اسم کان، مرفوع، اصلی	اسم کان، مرفوع، اصلی
اسم لیس، مرفوع، اصلی	اسم لیس (شبه جمله)، منصوب، محلی	خبرلیس (شبه جمله)، منصوب، محلی	خبرمقدم کان (شبه جمله)، منصوب، محلی	اسم کان، مرفوع، اصلی	اسم کان، مرفوع، اصلی	اسم کان، مرفوع، اصلی

سوال: درجملات زیر اسم وخبر افعال ناقصه واعراب کامل آنها را بنویسید.

۱. الأعداء ليسوا	يقدرُونَ	على	هزيمتنا	۲. ليس اللاتقُ من كانت لهُ	توصيات	اسم کان، مرفوع، اصلی
اسم لیس، مرفوع، محلی / خبرلیس (جمله)، منصوب، محلی	اسم لیس، مرفوع، محلی	اسم لیس، مرفوع، اصلی	خبرلیس، منصوب، محلی	خبرکان (شبه جمله) منصوب، محلی	اسم کان، مرفوع، اصلی	اسم کان، مرفوع، اصلی
۳. ما كانَ	في بيته	مصباحُ	۴. اصبحنا	متقدمينَ	حينَ	عملنا بالقرآن
خبرکان، منصوب، محلی	اسم کان، مرفوع، اصلی	اسم اصبح، مرفوع، محلی	خبراصبح (مفرد)، منصوب، فرعی	اسم کان، مرفوع، اصلی	اسم کان، مرفوع، اصلی	اسم کان، مرفوع، اصلی

## ۳. زمانی که اسم افعال ناقصه محذوف است

ازدوراه می توان تشخیص داد اسم افعال ناقصه حذف شده است:

۱. بعد از آن فعل ناقص ترجمه جمله ناقص است و حتماً باید بایک ضمیر ترجمه شود.

۲. قبل از آن فعل ناقص اسمی که معنای اسم افعال ناقص را داشته باشد ذکر شده است.

مثال: آنه لیس شجاعاً کانت تطلبُ خبر کان، منصوب، محلی

لیس از افعال ناقصه واسم آن "هو" مستتر خبر لیس، منصوب، اصلی کان از افعال ناقصه واسم آن "هی" مستتر

## کارگاه ترجمه

کان تذهب ← رفته بود	+ فعل ماضی ← ماضی بعید	} کان
کانوا یکتبون ← می نوشتند	+ فعل مضارع ← ماضی استمراری	

تست ۱) نوع خبر لیس در این عبارت کدام است؟ «الاعداء لیسوا یقْدرونَ علی هزیمتنا»

(۱) مفرد (۲) جمله فعلیه (۳) شبه جمله (۴) جمله اسمیه

تست ۲) در کدام گزینه خبر افعال ناقصه جمله فعلیه است؟

(۱) کُنْتُمْ خَیْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ (۲) لیسَ لِلنَّاسِ شَیْءٌ أَجْمَلُ مِنَ الْعَفْوِ

(۳) أَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً (۴) کَانَ أَحَدُهُمَا یَفْخَرُ بِنَفْسِهِ کَثِیراً

تست ۳) عین الخطأ بالنظر إلى الافعال الناقصة:

(۱) الناجحات کنّ ثابِتاتٍ فی حیاتهنَّ. (۲) التلمیذتان ناجحتان مادامت مدافعیین عن کرامة الانسان.

(۳) أصبحت ممرضاتُ المستشفى ساهراتٍ طول الیل. (۴) المسلمون متفرقون ماداموا بعیدین عن الاسلام.



## الدَّرْسُ العَاشِرُ

## الحروف المشبهه بالفعل، «لا» النافية للجنس

## حروف مشبهه بالفعل

## حروف مشبهه عبارتنداز:

إِنَّ (قطعاً)    أَنْ (که، زیرا)    كَأَنَّ (گویا)    لعلّ (شاید)    لكنّ (ولی)    ليت (کاش)

**تذکره:** این حروف قبل از جمله اسمیه می آیند؛ مبتدأ را منصوب کرده و خبر را به حال خود باقی می گذارند.

**توجه:** به کلمه ای که در آغاز مبتدأ بود اسم حروف مشبهه و به چیزی که در آغاز خبر بوده خبر حروف مشبهه گفته می شود.

**خلاصه:** حروف مشبهه: اسم حروف مشبهه ← منصوب ؛ خبر حروف مشبهه ← مرفوع

اسم حروف مشبهه به دو شکل دیده می شود:

الف) اسم ظاهر    ب) ضمیر منصوب: هـ، هما، هم و ...

خبر حروف مشبهه مانند دیگر خبرها به سه شکل خبر جمله، شبه جمله و خبر مفرد دیده می شود.

## مثال:

(۱) إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ

اسم إنّ، منصوب، اصلی    خبر إنّ، مرفوع، محلاً

(۲) إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (کان: از افعال ناقصه واسمه ضمیر مستتر "هو"    تواباً: خبر کان، منصوب، اصلی)

اسم إنّ، منصوب، محلاً    خبر إنّ، مرفوع، محلاً

(۳) إِنَّ الْمُبَدَّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ (ضمیر بارز "واو": اسم کان، مرفوع، محلاً    اخوان: خبر کان، منصوب، اصلی)

اسم إنّ، منصوب، فرعی    خبر إنّ، مرفوع، محلاً

۴) إِنَّ لِلْمُسْلِمِينَ تَوَابًا عِنْدَ اللَّهِ

خبر مقدم إِنَّ (شبه جمله)، مرفوع، محلاً اسم إِنَّ، منصوب، اصلی

۵) لَيْتَ الْأَغْنِيَاءَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْمَسَاكِينِ.

اسم لیت، منصوب، اصلی خبر لیت، مرفوع، محلاً

**مثال:** جملات زیر را با حروف مشابه داده شده بازنویسی کنید.

الراحمونَ يرحمهمُ اللهُ (إِنَّ) ← إِنَّ الرَّاحِمِينَ يَرْحَمُهُمُ اللهُ

التلميذاتُ يجتهدنَ في دروسهنَّ (لَيْتَ) ← لَيْتَ التَّلْمِيذَاتِ يَجْتَهِدْنَ فِي دَرُوسِهِنَّ

انتَ تلعبُ أكثرَ من أن تعملَ (كَأَنَّ) ← كَأَنَّكَ تَلْعَبُ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ تَعْمَلَ

**نکته:** هنگام تبدیل جمله که با فعل ناقص شروع می شود حروف مشابه را به جای فعل ناقص می گذاریم.

**مثال:** أصبحَ المنظرُ جميلاً (إِنَّ) ← إِنَّ الْمَنْظَرَ جَمِيلاً

**نکته:** هرگاه "ما کافه" به إِنَّ متصل شود آن را از عمل ساقط می کند و جمله یک جمله معمولی خواهد بود.

**مثال:** انما اموالکم و اولادکم فِتْنَةٌ

مبتدا، مرفوع، اصلی خبر، مرفوع، اصلی

**"لا" نفی جنس**

این حروف مانند حروف مشابه اسمی منصوب و خبری مرفوع می خواهد؛ پس از آن حتماً اسم خواهد آمد.

**نکته:** "لا" نفی جنس معنای هیچ می دهد.

**نکته:** اسم "لا" نفی جنس ال و تنوین نمی گیرد.

لا	رجل	فی البيت	لا	اله	الا	الله
اسم "لا"، منصوب، محلاً	خبر "لا"، مرفوع، محلاً	اسم "لا"، منصوب، محلاً	خبر "لا"، مرفوع، اصلی			

## کارگاه ترجمه

خبرلیت ولعل اگر فعل مضارع باشد به صورت التزامی ترجمه می شود.

لعلهم يتفكرون ← فکر کنند

ليت المسلمون يستيقظون من نوم الغفلة ← بیدار شوند

تست (۱) میز جمله التي تشمل "لا" النافية للجنس:

(۱) لا تفعل ما لا فائدة فيه (۲) لا يعمل الطالب عملاً دون فائدة

(۳) لا تعتمد في امورك على كسلان (۴) لا تخف إلا ذنوبك

تست (۲) أكمل العبارة التالية مع كلمة مناسبة:

« رَبَّنَا إِنَّكَ ... الناسِ لِيَوْمٍ لا ... فيه »

(۱) جامعاً- رَيْبٌ (۲) جامع- رَيْبٌ (۳) جامع- رَيْبٌ (۴) جامعاً- رَيْبٌ

تست (۳) عَيِّن الخَطَأَ :

(۱) إِنَّ المحققين ثابتين في أمورهم. (۲) إِنَّ المحققون كانوا ثابتين في أمورهم.

(۳) المُحَقَّقُونَ كانوا ثابتين في أمورهم. (۴) كانَ المحققون ثابتين في أمورهم.

تست (۴) عَيِّن لا النافية للجنس:

(۱) لا يبلغ الكسلانُ أمالَهُ (۲) لا تعاشر من يفخر بنفسه.

(۳) لا زجل في الدار. (۴) لا أحب الكذب ولا الغيبة